

# گنجهای پنهانی تهران

میک جاکر Mick Jagger در جمهوری اسلامی ایران



در کشور مالاها آنچه زیبا و خوبست دور از نظر است و پنهان  
زبان زیر چادر، مشروبات الکلی در پارکینگیهای شهر و اشیاء هنری در زیرزمین ها!

### دلفین مینویی

#### گزارشگر ویژه روزنامه فیگارو

آنچه خواندید واقعا جنبه شوخی ندارد. سینه به سینه شدن با ستاره موزیک راک انگلیسی - موزیکی که در ایران اسلامی رسماً منسوخ و ممنوع است - آنهم در زیرزمینهای موزه آثار هنر معاصر تهران به راستی غیر عادی است ولی واقعیت دارد. تابلو تمام قد اندی وارل Andy Warhal یکی از این هزارویک قطعه گنج زیرزمینی شهر قشری زده تهران است که علمای مذهبی از آن نگاهداری می کنند. یکی از صاحبان کلکسیون ایرانی به شوخی می گفت در کشور ملاها آنچه زیبا و خوبست دور از نظر است و پنهان. زنان زیر چادر، مشروبات الکلی در پارکینگهای شهر و اشیاء هنری در

زیرزمین ها!

همین که از جلو خان سیاه و چادرپوش بزرگترین حکومت مذهبی جهان گذشتید، تهران برای شما شگفتی های پنهان فراوان دارد. از بسیاری جهات ایران امروزی یک داستان ابهام آمیز اغوا کننده زیرزمینی است.

نخستین نمونه و جلوه آن فعالیت های اتمی آن کشور است که جایی برای خودنمایی دیگر رویدادهای جهان باقی نمی گذارد، زیرا تحول آن که همواره صورت معما و رمز دارد بسیار مورد اختلاف می باشد. فعالیت های اتمی ایران جایی برای زیباییهای دیگر آن سرزمین، که آن نیز در زیرزمین ها پنهان است باقی نمی گذارد، و در مطبوعات بین المللی به

آن اشاره نمی شود. این اشیاء چنان زیباست که طرفداران هنر را وادار می کند که اولین پرواز هواپیمائی ملی ایران را بگیرد و خودش را به تهران برسانند. نخستین مقصد چنین مسافرانی زیرزمینهای بانک مرکزی ایران است که میتوان برای احتراز از ترافیک سرسام آور شهر ۱۲ میلیونی تهران، به وسیله مترو به آنجا رفت. آنچه در این مرکز نگاهداری می شود واقعا نفس آدم را بند می آورد. همین که در ورودی زیرزمین بانک مرکزی گشوده می شود تعداد بیشمار ویتترین به چشم می خورد که هریک مجهز به پیشرفته ترین دستگاه های اعلام خطر است. این ویتترین ها مملو از زیباترین اشیاء عتیقه می باشند مانند قلبانی که با سنگهای قیمتی تزئین شده، تاجهای متعدد، شمشیر و سپر پوشیده از جواهر، سینی های مرصع، گردن بندها.... اینجا تالار "جواهرات سلطنتی ایران" مظهر سلطنت طرفدار غرب است که همواره مورد سرزنش رهبران کنونی ایران می باشد ولی برعکس، بازدید از آن برای مردم آزاد است.

یک زن راهنما که سراپایش در چادری پوشیده است با بازدید کنندگان از ظرافتی که در ساخت تاج شهبانو به کار رفته است صحبت می کند. این تاج که به وسیله جواهرسازان معروف بین المللی به نام وان کلیف و آپریل ساخته شده با ۱۰۵ قطعه مروارید،

۳۴ قطعه یاقوت، دو قطعه لعل، ۳۸ قطعه زمرد و ۱۴۸۹ قطعه برلیان مزین شده است. اندکی دورتر، الماس معروف دریای نور توجه بیننده را جلب می کند. گفته می شود که این سنگ یکی از

بزرگترین الماس های جهان است و ۱۴۶۹ قیراط وزن دارد. اندکی دورتر، راهنما جامی را نشان داد که با زمرد و یاقوت و الماس مزین شده بود و به آهستگی گفت "لابد در آن شراب می نوشیده اند" وی در حال ادای این توضیحات به صورت عادی صحبت می کند ولی در صدای ملایم و خوش آهنگش اندکی غرور احساس می شود. مثل اینکه می خواهد به شنوندگان خود بگوید ایران آن نیست که شما می بینید و تصور می کنید و این اشاره و عبارتی است که شما هنگامی که در تاکسی نشسته اید و یا در راهرو وزارتخانه ها می شنوید.

همین که ملاها در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسیدند تمام نمادهای سلطنتی و غربی را ممنوع کردند. استفاده از کراوات به فوریت مطرود شد. نوشابه های الکلی و سنگهای گردنبندوار محکوم به فنا شدند. نام خیابانها و معابر تغییر پیدا کرد و اسامی شهدای جنگ ایران و عراق جای نامهای گذشته را گرفت ولی وحشت تاراج آنچه از شاهان ایران مانده بود از میان رفت. پس از آشفتنگی و آشوب هفته های اول انقلاب که فرصتی برای تاراج بود زمامداران جدید کشور حفاظت از

میراث تاریخی ایران را به دست گرفتند. به این ترتیب به لطف ملاهای شیعه خرابه های تخت جمشید به سرنوشتی که مجسمه های بودا چند سال بعد در افغانستان بدان گرفتار آمدند، دچار نشد.

سی سال بعد از انقلاب اسلامی امروز می توان از قصرهای زمستانی و تابستانی شاه دیدن کرد و به دیدار آرامگاه های شعرای گذشته ایران از خیام تا سعدی و حافظ که عشق و شراب را تحسین می کنند شناخت و یا در بازارچه یهودیان در خیابان منوچهری اسکناسهای قدیم با عکس شاه را خریداری کرد.

اما باید توجه داشت که در ایران بعضی چیزها را می بینید و چیزهایی وجود دارند که نمی بینید و برای دیدن آن باید مانند بازرسی نیروگاه های اتمی از راههای قبلا رفته شده خارج شوید یا بتوانید مثلا به موزه هنرهای معاصر ایران دسترسی پیدا کنید. در این نقطه تاریخ و پشت درهایی که با دو قفل بسته شده است می توان غیر قابل تصورترین کلکسیون هنرهای معاصر را در خاورمیانه دید. این گنجینه ها از جهان بریده اند و از دیده کنجکا و مردم پنهانند و تحت

شدیدترین سانسور قرار دارند. بین این اشیاء که در گذشته به وسیله شهبانو خریداری و جمع آوری شده یک تابلوی زن عریان از آثار رنوار و تعدادی تابلو دیگر وجود دارد که به اعتقاد ملاهای مذهبی زیاده از حد

<p>”پورنوگرافیک“ است .  برای اثبات این نکته که در کشورهای خاورمیانه که در برابر امواج پرتلاطم ژئوپولیتیک قرار دارند هیچ چیز برای همیشه پنهان نمی ماند . بیش از صد قطعه از این تابلوها در سال ۲۰۰۵ از اختفا درآمدند و به معرض نمایش گذارده شدند به استثنای بعضی تصاویر عریان یا نیمه عریان از نقاشان نامی ، تابلوهای استادانه هنرهای مردمی ، امپرسیونیسم، سوررآلیسم، مینیمالیسم و غیره دیوارهای موزه را پوشانیده است. این جریان مانند انفجار یک بمب انعکاس پیدا کرد، دوبار تمدید شد و با میانگین دویست بازدید کننده در روز، طی مدت سه ماه برای موزه یک رکورد تاریخی به جود آورد .  از زمانی که تابلوها بار دیگر به تاریکی زیرزمینها سپرده شدند کارشناسان هنر دچار وحشت</p>	<p>فراوانی گشتند و این وحشت از آن بود که مبدا مقامات ایرانی برخی از تابلوها را به قیمت نازل به خریداران غربی بفروشد زیرا گفته می شود که این کار سابقه دارد. در سال ۱۹۹۴ تهران تابلوی یک زن - کار De Kooning را با یک کتاب خطی شاهنامه متعلق به یک آمریکائی صاحب کلکسیون معاوضه کرد و درحالی که بسیاری از میانه روهای ایرانی از این معاوضه ناراضی بودند افراط گرایان از این که از گیر این تابلو راحت شدند اصلا پشیمان نیستند . استدلال میانه روان بود که چیزی که قابل ارائه نیست الزما نباید قابل فروش باشد و به فروش برسد .</p>	
---	---	--